

Handwritten scribbles in the top right corner.

زاده عزیز، خواندن شعری شما روز ۱۸ ماه تمام شده بود.
(البته لذت خواندن دیر دوام خواهد داشت) لیکن توانستم همان روز آنرا بفروشم.
ببخشید. اینک آنرا به صاحب شایسته اش پس میفرستم.

خواهشمندم: (۱) غلطهای خطی و املائی مراد درست کنید. (۲) برگز
این را به فکر خود راه نمیده که من گویا خود «جناب پستار» عتاب کرده و با
شاعره جوانی خود غامگی میکنم. نه! من در تمام این سه روز شمارا چون
رفیق و همکار بخیزی در نظر گرفته هنگام خواندن با شما مباحث میکردم
و فکر شما را در فکرم تکرار خود میسریدم. وقتی استغافی جای برای من
می آید و تذکری مانده بود بگویم این برای دلم چرا بنیاد رده آید؟

اینطور، هر چه نوشته ام با موافقت خود شما بوده است. حال ام در این
در یاد آنرا محاکمه کنید، اگر درست نیستند در شان اندازید. باور کنید
که سایر بخش هم در من پیدا نخواهد شد. هیچ راضی نیستم نظریات شما
بسی بگوشید. من از آنانی نیستم که اعتماد دیگران را برای خود و کاف اعتبار
میکنند. شما را انسان شهوده شعریات را برای منافر سازید. بیرون
برای من بسند. دافوسها میخورد که این هم صحبتی شیرین (موت)

بیان رسید
تذیب و موافقت باشد.

از این نظر اینها سدهای صمیمانه و خواننده
او از طریق چندی شایسته.

ترانه خیزد به نامها و به باغ نوستم بسبب این است که تازه از

معالجه بازگشتم و معالجه ناتمام

از سر ... شما بسیار صدمتم . البته من از اینکه

مانند شما دختری داشته باشم (آخر خودتان مرا با لقب پسر در نظر از

کرده اید) خیلی بیخوشم . لیکن بیشتر بخود میبالم که وطن من هلق

بماند من دختری مانند شما پر استعداد . خدا کار و لایق دارد .

در خصوص آموزش ادبی همین قدر عرض میکنم که بخواهم

رع باید صدای خود را در زبان فارسی حقا نگردد و یا نه . اما

شاید حقا باید آواز خود ، آهنگ خود و موسیقی خود را در ادبیات

فارسی نگردد . حقا!

از شما خواهش دارم بطور جدی آثار ادبی روسی و در خصوص

اول پوئین ، رومنوف و حایا کوئکی را خوب و جبری با منویزید

آثار منتظم کلاسیکی فارسی را هم فراوان ننگید . آثار روسی بسیار آهسته

که موضوع پر معنی و در آلیستی پیدا کنید و خصوصا کوتاه و پر معنی گفتن

در یک اثر تکرار نکردن تا بیان یک فکر یک مثال در داخل آن اثر و

تکرار نکردن موضوع اثر دیگر را بنامی آهوزید . شما بیادقت این را دارید

آثار کلاسیک های فارسی مثل ملی آثار و آثار نگارنده ایران

اگر کلمه دیگری باشد به سینه نقل و بین المللی منقول و بدون
در رعایت می شود.

گویا از اولتر پرسیدند کدام نوع «آواز» مشهور استری ^{سند}
جواب داد مرفوعی خوب است بجز نوع ^{دو} دیگر آور.
گوشتش کفنیست مرفوعی بنویسید دور درواز باشد و دیگری
نیارد. از هر زبن هر ش خود مرفوعی بنویسند بیاهوید این از آنجا
مردی مکنید. آنا و آنها را سر مشق قرار دهید اما برای ^{آن} خلافت
شخصی. تراله باید آواز خود را در آثار فارسی نگه دارد!

موفق باشد، تقدیرت باشد، فرزند به تراله و ^{آن} ^{البر}

با مسرود احترام منتظر آثار خود

لکهنه

ادب با خرم به ملاقاتی میماند!

در این روزها که همه چیز در حال
 زوال است و همه چیز در حال
 برای من به بیابان آورده. عالم من
 پاره شده است. امید است که روزی
 شعوب و خلق منهدم شود و جهان
 گاهی با بیرون آید تا آنکه
 بدون چشم. یک بند محبت که به
 آنها در دو سه روز نوشته برای
 اگر آنها را نبرد شاید قبول
 که نبریم. خصوصاً بیشتر است
 می از آید. این اشعار خلق ایران
 صف ندانان ادب است بین المللی
 بگذرد میکنند
 تصویر طبیعت در اشعار
 است که باید وزن تو کلمات
 این وزن بود. لیکن وزن تو
 بدون فکر حکوم و نفس و قافیه
 بار خست خودتان جادت کرده
 ۱۳۵۱/۱۲/۲۲

در این روزها که همه چیز در حال
 زوال است و همه چیز در حال
 برای من به بیابان آورده. عالم من
 پاره شده است. امید است که روزی
 شعوب و خلق منهدم شود و جهان
 گاهی با بیرون آید تا آنکه
 بدون چشم. یک بند محبت که به
 آنها در دو سه روز نوشته برای
 اگر آنها را نبرد شاید قبول
 که نبریم. خصوصاً بیشتر است
 می از آید. این اشعار خلق ایران
 صف ندانان ادب است بین المللی
 بگذرد میکنند
 تصویر طبیعت در اشعار
 است که باید وزن تو کلمات
 این وزن بود. لیکن وزن تو
 بدون فکر حکوم و نفس و قافیه
 بار خست خودتان جادت کرده

در این روزها که همه چیز در حال
 زوال است و همه چیز در حال
 برای من به بیابان آورده. عالم من
 پاره شده است. امید است که روزی
 شعوب و خلق منهدم شود و جهان
 گاهی با بیرون آید تا آنکه
 بدون چشم. یک بند محبت که به
 آنها در دو سه روز نوشته برای
 اگر آنها را نبرد شاید قبول
 که نبریم. خصوصاً بیشتر است
 می از آید. این اشعار خلق ایران
 صف ندانان ادب است بین المللی
 بگذرد میکنند
 تصویر طبیعت در اشعار
 است که باید وزن تو کلمات
 این وزن بود. لیکن وزن تو
 بدون فکر حکوم و نفس و قافیه
 بار خست خودتان جادت کرده